



بررسی تطبیقی عدول از صلاحیت‌ها در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه

عباسعلی قربانیان^۱
علی مزیدی شرف آبادی^۲
سید مهدی منصوری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

اصل صلاحیت مراجع قضایی از اصل قانونی بودن دادگاه نشات می‌گیرد و جزء قواعد آمره در دادرسی کیفری به شمار می‌آید به گونه‌ای که طرفین دعوی به هیچ وجه نمی‌توانند مغایر آنچه قانون برای یک دادگاه تعیین صلاحیت نموده توافق نمایند. با این وجود، در آیین دادرسی کیفری و در شرایط خاص، استثنائاتی برای عدول از صلاحیت‌های مذکور پیش‌بینی شده است که پژوهش حاضر به مقایسه این موارد در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه مبادرت نموده است. در خصوص صلاحیت ذاتی، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در نظام کیفری ایران، عدول از صلاحیت ذاتی در مواردی همچون صدور رای تجمیعی و رعایت قواعد تعدد جرم مجاز است. در نظام کیفری فرانسه نیز عدول از صلاحیت ذاتی، در موارد محدود و تنها در چارچوب احاله امکان‌پذیر می‌باشد. علاوه بر این، در مورد قاعده عدول از صلاحیت محلی این موضوع که، قاعده مذکور بدون هر گونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعاوی کیفری را به همراه داشته باشد، مورد اتفاق هر دو نظام کیفری است. در واقع ضرورت پیش‌بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب ناپذیر است. همچنین، در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، مبنای تعیین صلاحیت شخصی، شخصیت مرتکب می‌باشد به گونه‌ای که آیین دادرسی کیفری رسیدگی به اتهامات افراد معینی را در صلاحیت مرجع خاصی قرار داده است که این صلاحیت صرفاً در تغییر صلاحیت محلی موثر است. علاوه بر این، بر اساس یافته‌ها در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، صلاحیت نسبی بر اساس شایستگی هر یک از

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. ghorbani.abbas20@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول). Mazidi_ali_46@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (استاد مشاور) sm_mansouri98@yahoo.com

مراجع کیفری که دارای صلاحیت‌های ذاتی و محلی باشند، براساس اهمیت جرم و میزان مجازات آنها تعیین می‌گردد.

کلید واژه‌ها

نظام کیفری، صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی، صلاحیت شخصی، صلاحیت نسبی.

۱- مقدمه

قانون آیین دادرسی کیفری به‌عنوان عصاره آرمان عدالت خواهی، قانون‌گرایی و نظم‌بخشی به جوامع و تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و تامین‌کننده امنیت اجتماعی در حوزه‌های مختلف است. طرح توسعه قضایی که توسط قوه قضائیه مطرح شد زمینه ساز اصلاحات و تحولات زیربنایی و اساسی در نظام قضایی کشور گردید که در پرتو احیای نهاد دادسرا، تدوین قانون جامع و مطابق با نیاز جامعه را به جای قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ضروری نمود. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به‌عنوان پاسخ مناسب به این نیاز مهم مبتنی بر سیاست‌های کیفری و جنایی انسجام یافته است و تلاش شده است که بنیان عدالت کیفری را در شالوده چارچوب حقوقی کشور پی‌ریزی نماید. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، صلاحیت دادگاه‌های کیفری شاهد تغییرات و اصلاحات به نحو مناسب و موثر بوده که از اهم آنها در مرحله دادرسی مهم‌ترین اصلاحات متوجه صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو که در سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ در سازمان قضایی ایران فعالیت داشتند مجدداً تاسیس و با اندکی تغییر جایگزین دادگاه‌های کیفری استان و عمومی و جزایی شده‌اند (تبصره ۲ ماده ۲۹۶) و از سوی دیگر دادگاه انقلاب که پیش از این در رسیدگی به جرایم مهمی که برخی از آنها سلب حیات مرتکب را در پی داشت از شیوه خطرناک وحدت قاضی تبعیت می‌نمودند ملزم شدند که برای رسیدگی به برخی از جرایم داخل در صلاحیت خود نظام تعدد قضات را رعایت نمایند (ماده ۲۹۷). دادگاه اطفال و نوجوانان نیز که وجود آن ضرورتی انکارناپذیر برای رسیدگی به جرایم این دسته از افراد است نه تنها حفظ شدند بلکه جایگاه آنها از دادگاه تخصصی که شعبه فرعی دادگاه عمومی بود به دادگاه اختصاصی تغییر یافت (ماده ۳۰۴).

یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت مراجع قضایی است. وقتی که جرمی ارتکاب یافت باید از بین کلیه دادگاه‌های کیفری، تعیین کرد که کدام یک مخصوصاً صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب آن را دارد. صلاحیت در اصطلاح حقوقی، توانایی و الزامی است که مراجع قضایی در رسیدگی به دعوی بموجب قانون دارند و در تعریف دیگر صلاحیت کیفری

عبارت از شایستگی و اختیاری می‌باشد که به موجب قانون برای مرجع رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است.

در واقع، با توجه به تخصصی تر شدن دادگاه مطالعه پیرامون قواعد صلاحیت که در واقع به تقسیم کار بین دادگاه‌ها اختصاص دارد و همچون موارد عدول از آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. در واقع، با بررسی ساختار و حدود صلاحیت محاکم کیفری اعم از عمومی و اختصاصی شاهد تغییرات مناسبی که با الهام از ساختار و آیین دادرسی کیفری گذشته محقق گردیده و موجب تحولی بنیادین در آن شده است، خواهیم بود.

حقوق فرانسه از خانواده حقوق نوشته رومی ژرمن است و مبدا تحولات قانونگذاری در کشورهای خاورمیانه شده و در فرانسه نیز تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار دانشمندان و فلاسفه حقوق و علوم اجتماعی نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی در قرن هجدهم میلادی شروع شد و پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ اصلاحات حقوق جزا و قوانین جزایی آغاز شد و اولین قانون مجازات عمومی فرانسه در سال ۱۷۹۱ به تصویب مجلس موسسان رسید که مبتنی بر اندیشه اصالت فرد و حفظ ارزش‌های جمعی و حمایت از اشخاص و مالکیت پی ریزی شده و هدفش نیز دفاع از شخص انسانی و تمایل به شکوفایی کامل استعدادها و دفاع از او در برابر هرگونه تعرض بود. در طول حاکمیت صد و هشتاد ساله قانون فوق‌الذکر نقاط قوت و ضعف آن دیده شده و نهایتاً در سال ۱۸۱۰ میلادی بر مبنای اصلاحات جدید جزای عمومی که معروف به کد (ناپلئونی) شد به تصویب رسید. به‌طور کلی نظام کیفری دوره امپراطوری ناپلئونی ترکیبی از نظام جزایی مختلط و بینابین نظام جزایی قدیم فرانسه و نظام جزایی بعد از انقلاب فرانسه بود که هدف از مجازات بیشتر بر تشدید مجازات از طریق ارباب و اخافه برای تامین امنیت و آسایش عمومی استوار بود. نهایتاً پس از حاکمیت دو قرن قانون مذکور، قانون جدید جزای فرانسه در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید که در حال حاضر حاکم و قابل اجرا است (گلیمان، ۱۳۹۶).

با توجه به اهمیت حقوق فرانسه و اثرگذاری آنها بر حقوق خاورمیانه، مقایسه ضوابط و شرایط عدول از صلاحیت‌ها در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه می‌تواند زمینه‌های شناسایی نقاط ضعف و چالش‌های موجود در نظام کیفری ایران را تشریح و تبیین نماید. با این وجود، در کشور ما تا کنون مقاله یا پایان نامه‌ای که مبحث عدول از صلاحیت‌ها در نظام کیفری این دو کشور را به صورت جامع مورد بررسی قرار دهد به ثبت نرسیده است. تحقیقات انجام شده عمدتاً در دو دسته خاص می‌باشند. دسته اول پژوهش‌هایی هستند که مبحث صلاحیت‌ها را در خصوص جرائم خاص مانند جرائم سایبری و یا دعاوی بین‌المللی مورد مطالعه قرار داده‌اند. دسته دوم شامل تحقیقاتی

است که منحصرًا یکی از صلاحیت‌ها شامل صلاحیت ذاتی، محلی، شخصی و نسبی را مورد بررسی قرار دادند و از مطالعه جامع انواع صلاحیت‌ها اجتناب نموده‌اند. در عرصه مقایسه با کشورهای دیگر نیز در موارد معدودی مقایسه صلاحیت شخصی و محلی بین نظام‌های کیفری ایران و ترکیه و ایران و فرانسه صورت گرفته است که به صورت مختصر و در چارچوبی محدود افتراقات و تشابهات مورد قیاس قرار گرفته‌اند. علاوه بر این‌ها، نقصانی که تقریباً در غالب پژوهش‌ها مشاهده می‌گردد این است که تحقیقات انجام شده به مطالعه صلاحیت‌های کیفری بر اساس قوانین مصوب پیش از سال ۱۳۹۲ پرداخته‌اند که با توجه به تغییرات قابل توجه در آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، نیاز است پژوهش‌های جدید و نو به منظور به روزرسانی مطالعات بر اساس قوانین تازه صورت پذیرد. با توجه به موارد فوق ضروری بوده است تا ضمن انجام پژوهشی جامع و کامل نقاط ضعف، قوت و شیوه اعمال صلاحیت‌ها در نظام کیفری ایران تبیین و موارد شناسایی شده با یک نظام کیفری پیشرفته همچون فرانسه مورد مقایسه قرار گیرد. نتایج حاصل از پژوهش پیش رو می‌تواند مورد توجه دستگاه قضایی کشور ما و همچنین نهادهای تحقیقاتی و مطالعاتی به عنوان منبعی برای مبحث صلاحیت دادگاه‌های کیفری در نظام قضایی ایران و فرانسه قرار گیرد.

۲- مفهوم شناسی

۱-۲- صلاحیت

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، درخوری، سزاواری و اهلیت (دهخدا، ۱۳۴۱: ۸۹۱/۱۸) است و در اصلاح، به توانایی و شایستگی مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی اطلاق می‌گردد (گلدوست، ۱۳۹۳: ۲۷۳). در اصطلاح آیین دادرسی، عبارت از اختیاری است که قانون به دادگاهی می‌دهد تا به موجب آن به دعوایی رسیدگی کند. به عبارت دیگر، شایستگی قانونی دادگاه برای رسیدگی به دعوایی خاص در اصطلاح حقوقی صلاحیت نامیده می‌شود. در واقع، در امور کیفری مرجع رسیدگی کننده به موضوع اتهام باید شایستگی و اختیار مداخله و رسیدگی به آن موضوع را داشته باشد و این شایستگی یا صلاحیت مرجع رسیدگی کننده معمولاً به چهار شکل پیش بینی می‌شود: صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی، صلاحیت شخصی و صلاحیت نسبی.

۲-۲- صلاحیت ذاتی

در میان انواع صلاحیت، نخست صلاحیت ذاتی قرار دارد که ملاک تعیین کننده آن موضوع اتهام است و از این لحاظ صلاحیت ذاتی مراجع رسیدگی به جرائم ممکن است متفاوت باشد. در نظام حقوقی ما صلاحیت مراجع قضایی و اداری بطور کلی نسبت به یکدیگر از حیث صنف، و صلاحیت دادگاه‌های عمومی و اختصاصی مانند دادگاه عمومی حقوقی و کیفری در برابر دادگاه انقلاب نسبت به یکدیگر از حیث نوع، و صلاحیت دادگاه‌های نخستین و عالی از حیث درجه، ذاتاً متفاوت می‌باشند (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۰۴).

۳-۲- صلاحیت محلی

بر اساس ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری صلاحیت محلی عبارت است از صلاحیت مرجع محل وقوع جرم. به عبارت دیگر، متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضائی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرائم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود، به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

۴-۲- صلاحیت نسبی

دعاوی ای که از نظر موضوع خواسته یا حد نصاب خواسته یا میزان خواسته تعیین می‌گردد را اصطلاحاً صلاحیت نسبی گویند، منظور از موضوع خواسته عبارتند از چیزی که خواهان به طرفیت خوانده مدعی آن است. مانند دعوا تخلیه، خلع ید و... و مقصود از بهای خواسته یا حد نصاب خواسته، میزان و ارزش خواسته چیزی است که موضوع ادعا واقع شده است. متداعین می‌توانند با تراضی یکدیگر از صلاحیت نسبی عدول کنند (صدرزاده، ۱۳۹۵: ۱۶۵). همچنین، در دعاوی کیفری نیز برای برخی جرایم بسته به میزان و شدت جرم، صلاحیت کیفری نیز تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال، بر اساس ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل تحت صلاحیت دادگاه انقلاب است. درواقع دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی است زیرا به موجب قانون فقط صلاحیت رسیدگی به جرائم محدود و خاص را دارد و در خارج از آن چارچوب صلاحیت رسیدگی آن را ندارد. در واقع اصل بر این است که دادگاه کیفری دو

صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مواد مخدر را دارد، مگر در مواردی که در ماده ۳۰۳ تصریح شده است. به عنوان مثالی دیگر بر اساس ماده ۳۰۲ آیین دادرسی کیفری جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن در صلاحیت کیفری یک می‌باشد. در صورتیکه دیه کمتر از میزان مذکور باشد در صلاحیت دادگاه کیفری دو خواهد بود.

۵-۲- صلاحیت شخصی

صلاحیت شخصی صلاحیتی است که قانون‌گذار با توجه به مقام، شخصیت، موقعیت شغلی و سنی مرتکب جرم تعیین می‌کند به این سان ممکن است دادگاهی که از لحاظ محلی صلاحیت رسیدگی به یک موضوع را ندارد برای رسیدگی به جرایم افراد خاصی اختصاص یابد. در واقع قانون‌گذار بدون توجه به محل وقوع جرم و فقط با توجه به شخص مرتکب، دادگاه صالح دیگری را صالح به رسیدگی می‌داند (جوانمرد، ۱۳۹۲: ۲۲۶).

۳- عدول از صلاحیت ذاتی در نظام کیفری ایران و فرانسه

۳-۱- عدول از صلاحیت ذاتی در نظام کیفری ایران

۳-۱-۱- عدول از صلاحیت ذاتی در محدوده صدور رای تجمیعی و رعایت قواعد تعدد جرم بر اساس ماده ۱۱ آیین دادرسی کیفری هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع یافته است و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود، در دادگاهی به آن جرائم رسیدگی می‌شود که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرائم ارتكابی از یک درجه باشد، دادگاهی که متهم در آن حوزه دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادرسی هر محل تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود به عمل آورده و به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد.

علاوه بر این، بر اساس ماده ۱۲ آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند هرگاه کسی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد با رعایت صلاحیت ذاتی در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جرم را دارد. همچنین، بر اساس ماده ۱۴ آیین دادرسی کیفری شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۲۰ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب متهم در دادرسی تعقیب می‌شود که در حوزه همان دادرسی مرتکب جرم شده باشد و در صورتی که در چند حوزه

مرتکب جرم شده باشد در دادرایی که مهم ترین جرم در حوزه آن واقع شده است مورد تعقیب قرار خواهد گرفت. تشخیص مهمترین جرم با دادرایی است که متهم در آن حوزه توقیف شده است. و اگر جرمها از یک درجه باشند متهم در حوزه‌ای که در آن جا توقیف شده است محاکمه خواهد شد.

ماده ۱۹۷ آیین دادرسی کیفری نیز تصریح می کند هر گاه کسی متهم به ارتکاب چند جرم از درجات مختلفه باشد در محکمه محاکمه می شود که صلاحیت رسیدگی را به مهم ترین جرم دارد. علاوه بر این بر اساس ماده ۱۹۸ آیین دادرسی کیفری شرکاء و معاونین مجرم در محکمه می شوند که صلاحیت حکم را درباره مجرم اصلی دارد.

۲-۱-۳- عدول از صلاحیت ذاتی برای لغو قرار تعلیق مجازات

در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ با توجه به ماده ۳۳، دادگاهی که حکم تعلیق اجرای مجازات سابق را صادر کرده بود یا دادگاه جانشین، صالح برای الغا بود. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در قسمتی از ماده ۵۴ آمده است: «پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند» با توجه به این قسمت از ماده دو حالت پیش می آید:

با توجه به ماده ۵۵ قانون جدید، دادگاهی که قرار تعلیق را صادر کرده است، پس از صدور قرار متوجه می شود که محکوم دارای سابقه محکومیت موثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده که در میان آنها محکومیت تعلیقی بوده است. در این صورت، قرار تعلیق را لغو می کند.

دادگاه دیگر پس از رسیدگی به اتهام دیگر متهم و قطعیت متوجه می شود که محکوم قبلا مرتکب یکی از جرایم مشمول حد، قصاص، تعزیر تا درجه هفت شده است.

در اینجا قانونگذار برخلاف قانون سابق قایل به حدوث وضعیت جدیدی شده است. بدین ترتیب که این دادگاه که اصولا صادرکننده قرار تعلیق نبوده است، قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را صادر می کند و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. در واقع دادگاهی که قرار تعلیق را صادر نکرده است، آن را لغو می کند و حتی دستور اجرای حکم سابق را می دهد. ایجاد صلاحیت اضافی برای دادگاهی که اصولا در جریان قرار تعلیق نبوده، قابل انتقاد است. زیرا اصولا بهتر بود در تمام احوال دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اجرای مجازات مبادرت به لغو قرار کند، نه دادگاهی که در پرونده دیگری رأی قطعی صادر کرده است.

بنابراین، زمانی که رای تعلیقی در شعبه‌ای صادر می‌شود و سپس پرونده در دادگاه دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گردد، در این مورد نیز دادگاه صرف‌نظر از صلاحیت ذاتی خویش مجاز به لغو تعلیق و اجرای مجازات صادر شده از سوی شعبه مذکور و اظهار نظر در خصوص آن می‌باشد که از استثنائات عدول از صلاحیت ذاتی به شمار می‌آید.

۲-۳- عدول از صلاحیت ذاتی در نظام کیفری فرانسه

در آیین دادرسی کیفری فرانسه، در موضوعات جنایی، جنبه ای یا خلافی، شعبه جنایی دیوان عالی کشور می‌تواند از هر مرجع تحقیق یا دادرسی سلب صلاحیت نموده و پرونده را به علت یک ظن مشروع و قانونی، به مرجع هم عرض دیگری بفرستد. درخواست احاله می‌تواند به وسیله دادستان کل دیوان عالی کشور یا دادسرای مستقر در مرجع مورد درخواست یا توسط اصحاب دعوا تقدیم شود. این درخواست باید به کلیه اصحاب ذینفع دعوا که دارای یک مهلت ده روزه برای دادن لایحه به دفتر دیوان عالی کشور هستند، ابلاغ شود. تقدیم درخواست هیچ گونه اثر تعلیقی ندارد مگر اینکه دیوان عالی کشور در این زمینه دستور دیگری را صادر نماید (ماده ۶۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پاراگراف ۲-۳).

مشابه این مورد در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مطرح نشده است و به سختی نیز می‌توان آن‌ها را ذیل عناوینی همچون حفظ نظم عمومی قرار داد. به نظر می‌رسد خلا مورد مذکور در پذیرش احاله یک پرونده از یک مرجع قضایی به مرجع قضایی دیگر وجود دارد. در مجموع می‌توان گفت که در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقنن موضوع نقض قاعده صلاحیت ذاتی را در دو وضعیت دادسرا و دادگاه با هم پیش بینی نموده است.

۴- عدول از صلاحیت محلی در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه

۴-۱- عدول از صلاحیت محلی برای حفظ نظم و امنیت عمومی

نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار نظم و امنیت عمومی، از موارد مشترک در دو نظام قانونی ایران و فرانسه است. بر اساس ماده ۴۲۰ قانون آ. د. ک.:

"علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه با دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود."

می‌توان این ماده قانونی را از زمره مواردی شمرد که تبعات امنیتی با آثار رسیدگی کیفری بر منافع عمومی، معیار و توجیهی جهت نقض قاعده صلاحیت محلی باشد. در متن ماده به

صراحت به جرم خاصی اشاره نشده و امکان وقوع مصلحت مذکور حفظ نظم و امنیت عمومی در حالات مختلفی قابل تصور است. برخی حفظ نظم شهر و عموم مردم را از مصادیق این عنوان مطرح نموده اند، مانند اینکه محاکمه مجرمی، امنیت شهری را مختل کند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

با وجود منافعی که در این موضوع قابل تصور است و در ادامه در قانون فرانسه نیز به مواردی از آن اشاره خواهد شد، با این حال، وجود عبارت مذکور کلی و مبهم بوده و در واقع اختیار وسیعی در نقض قاعده صلاحیت محلی به مقام مربوطه اعطا می‌نماید. شاید به همین دلیل باشد که برخی آن را خارج از چارچوب‌های موجود جهانی و اصول حقوق بشر و معیار آشکار با اصل ۳۴ قانون اساسی مبنی بر حق افراد در دسترسی به دادگاه صالح قانونی دانسته‌اند (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۷۳/۴). در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز در ماده ۶۶۵ مقرر گردیده است:

"احاله یک پرونده از مرجعی به مرجع دیگر می‌تواند به علت امنیت عمومی توسط شعبه جنایی و فقط به درخواست دادستان کل دیوان عالی کشور، دستور داده شود..."

ملاحظه می‌شود که مقنن فرانسوی نیز در بحث امنیت عمومی، رویه ای مشابه دارد و تنها تفاوت در مقام صلاحیت دار قضایی درخواست کننده است که در ایران در کنار دادستان کل کشور، رئیس قوه قضاییه نیز از اختیار مشابه برخوردار بوده لیکن در نظام قانونی فرانسه این اختیار منحصر به دادستان کل دیوان عالی کشور است.

۲-۴- عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سختی با پیچیدگی پرونده

سختی یا پیچیدگی جرم، به ویژه در پرونده‌هایی که با تعداد زیاد شاکی یا متهم مواجه است و با گستره جرم ارتكابی از نظر آثار و تبعات جغرافیایی یا اجتماعی بالاست، اقتضا دارد که مانند پرونده‌های ساده و با مشکلات کمتر تنها توسط یک قاضی تحقیق رسیدگی نشده و سازوکارهای مناسب‌تر و منطبق با واقعیت در مورد آنها وضع گردد. در واقع شیوه‌های رسیدگی سنتی، امروزه جوابگوی مقابله با جرایم جدید که بعضاً به صورت باندی و سازمان یافته یا با ابزارهای مدرن و پیشرفته ارتكاب می‌یابند، نیست. ایجاد هیئت‌های همکاری قضایی در سطح دادسرا که بر اساس شدت و پیچیدگی جرم ارتكابی و به تشخیص رئیس دادگاه شهرستان می‌تواند پرونده تحقیقاتی در این هیئت‌های تحقیقاتی مورد رسیدگی قرار گیرد، از سازوکارهای پیش بینی شده توسط مقنن فرانسوی در جهت انجام تحقیقات هر چه بهتر و سریع‌تر محسوب می‌گردد. علاوه بر این،

در قانون فرانسه بر خلاف رویه قانون گذار ایرانی، نوع دیگری از نقض قاعده صلاحیت محلی نیز مطرح است که صرفاً بر اساس نوع جرم ارتكابی است و در بحث بعد بدان پرداخته می‌شود. در ارتباط با سختی و پیچیدگی پرونده، ماده ۱-۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد:

"در برخی دادگاه‌های شهرستان، قضات تحقیق در یک هیئت (قطب) تحقیقاتی جمع می‌شوند. این قضات در این هیئت تحقیقاتی فقط صالح به انجام تحقیقات در موضوعات جنایی هستند. این قضات همچنین برای رسیدگی به موضوعاتی که بر اساس مواد ۱-۸۳ و ۲-۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ضرورت همکاری قضایی را اقتضا نمایند، صلاحیت دارند..."

این ماده قانونی که در فصل مربوط به قاضی تحقیق و صلاحیت محلی آن قرار گرفته است، به وجود هیئتی تحقیقاتی اشاره دارد که در مورد جنایات و پرونده‌هایی که از سختی و پیچیدگی برخوردارند، صلاحیت محلی متفاوتی را از آنچه برای قاضی تحقیق انفرادی پیش بینی شده، تعیین نموده است. صلاحیت محلی این هیئت‌های تحقیقاتی و حوزه‌های جغرافیایی در قلمرو هر یک از آنها، مطابق آیین نامه ای جداگانه تعیین شده است.

جدا از بحث جنایات که در ماده بدان اشاره شده و در صلاحیت هیئت قرار گرفته است، سختی و پیچیدگی پرونده، معیاری دیگر برای سلب صلاحیت از قاضی تحقیق صالح محلی با توسعه حوزه صلاحیت او و ارجاع پرونده به هیئت تحقیقاتی است. بر اساس ماده ۱-۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه:

"هنگامی که شدت با پیچیدگی پرونده، این موضوع را توجیه کند، تحقیقات می‌تواند بنا بر شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده حاضر، موضوع همکاری قضایی قرار گیرد... رئیس دادگاه شهرستانی که در آن، هیئت (قطب) تحقیقاتی وجود دارد یا در صورت وجود مانع جانشین او، به مجرد شروع تحقیقات رأساً یا به درخواست دادستانی شهرستان در تقاضانامه ابتدایی، یک یا چند باز پرس را برای الحاق به باز پرس مسئول تحقیقات انتخاب می‌نماید... در مواردی که تحقیقات در مرجعی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود ندارد، در جریان است رئیس دادگاه شهرستانی که در آن هیئت تحقیقاتی وجود دارد بعد از اعلام عدم صلاحیت باز پرس به نفع هیئت، باز پرس مسئول تحقیقات و یک یا چند باز پرس همکار در موضوعات کیفری را انتخاب می‌کند. این اعلام عدم صلاحیت از تاریخ انتصاب هیئت تحقیقاتی، واجد اثر می‌گردد (تدین، ۱۳۹۱: ۱۰۲)."

مقنن ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری (مشابه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸) سازوکار مشابهی برای سهولت و تسریع در رسیدگی به پرونده‌هایی که از سختی و پیچیدگی خاصی

برخوردارند، پیش بینی نکرده است و در همه موارد صحبت از یک قاضی تحقیق یا باز پرس است که وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی را در همه جرایم فارغ از سختی و پیچیدگی آنها بر عهده دارد.

۳-۴- عدول از صلاحیت محلی به جهت رسیدگی مطلوب قضایی

علاوه بر علت امنیت عمومی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، رسیدگی مناسب و مطلوب به پرونده قضایی نیز از جمله توجیهاتی است که می‌تواند برای ارجاع پرونده از یک مرجع قضایی صلاحیت دار محلی به مرجعی دیگر مورد استناد قرار گیرد. این عامل در ماده ۶۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه بیان گردیده است.

عین این عامل در قانون آ. د. ک. ایران وجود ندارد و در عوض مقنن ایرانی توجه خود را در بحث احاله به مواردی مشابه همچون اقامت متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگر، یا نزدیکی بیشتر دادگاه دیگر به محل وقوع جرم به گونه ای که دادگاه دیگر (غیر صالح محلی) آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند (بندهای الف و ب ماده ۴۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری) معطوف کرده است. با این حال، اداره مطلوب رسیدگی را می‌توان از جهاتی با دو بند فوق الذکر در قانون ایران نزدیک دانست.

به هر حال مقنن فرانسوی تشریفات و ضوابط بیشتری در مقایسه با قانون ایران برای احاله پرونده در این حالت، تعیین نموده است. درخواست احاله پرونده به استناد این جهت بر خلاف مورد حفظ امنیت عمومی (بند اول ماده ۶۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه) که فقط در انحصار دادستان کل دیوان عالی کشور است، می‌تواند علاوه بر آن از سوی طرفین دعوی و دادستان کل دادگاه تجدیدنظری که جرم در حوزه صلاحیت محلی آن است، نیز صورت گیرد. البته در هر حال مجوز احاله با شعبه جنایی دیوان عالی کشور است. ضمناً درخواستی که به استناد این جهت صورت گرفته است، باید به طرفین دعوی ابلاغ شود و ایشان ظرف مدت هشت روز مهلت دارند تا لایحه دفاعیه خود را تقدیم دفتر شعبه جنایی نمایند. بهتر بود مقنن ایرانی نیز برای احاله پرونده به استناد بندهای الف و ب ماده ۴۱۹؛ چنین حقی را برای طرفین دعوی برای بیان اظهارات خود در رد یا تأیید تصمیم به احاله پرونده پیش بینی می‌نمود. در هر حال شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه در این مورد باید ظرف هشت روز تصمیم گیری نماید.

۴-۴- عدول از صلاحیت محلی به علت ظن مشروع و قانونی

مورد دیگری که بر اساس قانون آ. د. ک. فرانسه می‌تواند مجوز ارجاع پرونده از حوزه قضایی

صلاحیت‌دار محلی به حوزه قضایی دیگر شود، وجود ظن مشروع و قانونی است. مقنن فرانسوی تعریفی از ظن مشروع ارائه نکرده است، لیکن بر اساس برخی آرای قضایی، درخواست احاله به علت ظن مشروع و قانونی باید یک جریان و روند دادرسی قضایی را هدف قرار دهد نه یک قاضی با نام و هویت مشخص را. در موردی دیگر آمده است که درخواست‌های ظنی مشروع علیه نیروهای نظامی ژاندارمری و دادسرا پذیرفتنی نیست.

درخواست احاله پرونده از یک شعبه صلاحیت دار محلی به شعبه هم عرض دیگر می‌تواند به درخواست دادستان کل دیوان عالی کشور یا دادسرای حوزه جغرافیایی مربوط یا طرفین دعوی مطرح شود.

درخواست ارائه شده به طرفین ابلاغ شده و هر طرف ظرف ده روز می‌تواند لایحه خود را به دفتر شعبه جنایی دیوان ارائه نماید (ماده ۶۶۲ قانون آ. د. ک. فرانسه، پاراگراف ۲-۳).

مشابه این مورد در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مطرح نگردیده است و به سختی نیز می‌توان آنها را ذیل عناوینی همچون حفظ نظم عمومی قرار داد. به نظر می‌رسد خلا مورد مذکور در پذیرش احاله یک پرونده از یک مرجع قضایی به مرجع قضایی دیگر وجود دارد.

در مجموع همان گونه که مشاهده شد، در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مقنن موضوع نقض قاعده صلاحیت محلی را در دو وضعیت دادسرا و دادگاه با هم و در موارد متعدد پیش‌بینی نموده است.

۵-۴- عدول از صلاحیت محلی به اعتبار نوع جرم ارتكابی

همان گونه که در بحث سابق اشاره شد، علاوه بر ایجاد هیأت‌های تحقیقاتی بر اساس شدت و پیچیدگی جرم ارتكابی، مقنن فرانسوی در چند مورد خاص مراجع رسیدگی هم ردیف دادگاه‌های صالح بر اساس قاعده عمومی ایجاد نموده است. ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای جرایم خاص از سال ۱۹۷۵ آغاز شده است و با قانون ۲۰۴-۲۰۰۴ مصوب ۹ مارس ۲۰۰۴ تشدید گردیده و سامان یافته است.

بعد از تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ در خصوص تطبیق دادگستری با تحولات بزهکاری، نقض قاعده صلاحیت محلی با توجه به نوع جرم افزایش یافته و بر تعداد این مراجع تخصصی افزوده است. برای مبارزه بهتر با جرایم پرخطر، سازمان یافته و پیچیده، «هیئت‌هایی مرکب از بخش‌های تحقیقات پلیسی، تعقیب، تحقیق و دادرسی ایجاد شده است. در این حالت، صلاحیت یک دادگاه شهرستان می‌تواند به حوزه قضایی یک یا چند دادگاه تجدید نظر تسری و توسعه یابد (تدین، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

در واقع در جرایمی خاص که قانون تعریف می‌کند صلاحیت محلی یک دادگاه شهرستان و یک دادگاه جنایی، به حوزه صلاحیت یک یا چند دادگاه تجدیدنظر توسعه می‌یابد. در مجموعه جغرافیایی کشور فرانسه، هشت دادگاه بزرگ شهرستان در قالب دادگاه‌های بین منطقه ای ویژه ایجاد شده‌اند. این مراجع رسیدگی به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: دادگاه‌های شهرستان بوردو، فورت دو فرانس، لیل، لیون، مارسی، نانسی، پاریس ورن. این دادگاه‌ها دارای یک صلاحیت هم ردیف و مشابه و نه انحصاری، نسبت به صلاحیتی که در حالت اجرای قواعد عمومی صلاحیت محلی جاری است، می‌باشند. علاوه بر آن، این دادگاه‌ها از طریق تخصصی شدن قضات منصوب نیز به نوعی تغییر یافته‌اند. این تغییرات دربردارنده بخشی ویژه از دادسرا و ساختارهایی از تحقیق و دادرسی تخصصی برای کشف جرایم تعیین شده است.

در درون هر دادگاه شهرستان که در قالب دادگاهی بین منطقه ای شکل گرفته، دادستان استان و رئیس دادگاه تجدیدنظر، بعد از کسب نظر دادستان شهرستان و رئیس دادگاه شهرستان، یک یا چند قاضی دادسرا، باز پرس‌ها و قضات نشست مسئول ویژه تحقیق، تعقیب و رسیدگی را تعیین می‌کنند. در اینجا دیگر دخالتی از طرف شورای عالی صاحب منصبان قضایی وجود ندارد. این مراجع تخصص‌های زیر را دارند:

جرایم اقتصادی و مالی، جرایم مربوط به بهداشت، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان یافته، آلودگی آب‌ها توسط پساب کشتیها.

غیر از دو مورد دادگاه‌های ویژه مربوط به جرایم تروریستی و قاچاق مواد مخدر که مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ می‌باشند، غالب مراجع رسیدگی با تصویب قانون ۹ مارس ۲۰۰۴ ایجاد و از الگوی مراجع رسیدگی جرایم تروریستی و مواد مخدر تبعیت نموده‌اند.

به یک باور، دادگاه‌های جنایی ویژه در زمینه تروریسم در واقع دادگاه‌های فوق العاده‌ای هستند که در پی حوادث تروریستی استثنایی سال ۱۹۸۶ در فرانسه ایجاد شده‌اند و سپس تبدیل به دادگاه‌های دائمی ویژه شده‌اند و دادگاه‌های ویژه در حوزه جرایم اقتصادی و مالی، قاچاق مواد مخدر و ... با الگوبرداری از دادگاه‌های ویژه جنایی در حوزه تروریسم ایجاد شده‌اند (گری^۱، ۲۰۰۳: ۱۰۶).

۵- عدول از صلاحیت شخصی در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه

۵-۱- عدول از صلاحیت شخصی در نظام کیفری ایران

¹ Gozzi

نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب از مواردی است که در نظام دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. در قانون آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲ غیر از تکرار موارد قانون سابق با برخی اصلاحات بر موارد نقض قاعده صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب افزوده است. در این زمینه ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام تعیین صلاحیت دادگاه‌های کیفری پایتخت مقرر داشته است:

"رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگان رهبری، وزیران و معاونان وزیران، دارندگان پایه قضایی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل و مدیران کل اطلاعات استان‌ها حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است، مگر آنکه رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد."

در مورد جرایم افراد نظامی دارای درجه سرتیپی و بالاتر، کلیه جرایم آنها چه نظامی و چه عمومی، حسب مورد در دادگاه‌های نظامی یا غیر نظامی پایتخت رسیدگی می‌شود. در این باره ماده ۳ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد:

"کلیه جرایم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر در مراجع قضایی ذیربط در تهران رسیدگی می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴: ۴۲/۲)."

در ادامه در ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر گردیده است:

"رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد."

در این خصوص همان گونه که از متن ماده مشخص است دامنه و گستره اشخاصی که صلاحیت رسیدگی به اتهامات ایشان بر خلاف قاعده صلاحیت محل وقوع جرم، در صلاحیت دادگاه کیفری استان قرار گرفته است، بسیار زیاد است. برای نمونه، از کلیه دارندگان پایه قضایی

گرفته تا کلیه فرمانداران و استانداران و حتی مشاوران سه قوه را در بر گرفته است. نگاهی کلی به فهرست اشخاص مذکور مؤید این مطلب است که سنخیت و توجیه مشخص و قابل قبولی برای اینکه صلاحیت رسیدگی به اتهامات بسیاری از اشخاص این فهرست را بر خلاف قاعده معمول به دادگاه کیفری استان تهران محول نماییم، وجود ندارد؛ به ویژه که این ماده کلیه اتهامات را بدون تفکیک مشخص در بر می‌گیرد. علاوه بر این، عدول از صلاحیت در این مورد اعم از اینکه جرم به سبب شغل دولتی ارتکاب یافته باشد یا نه، صورت گرفته است و در این مورد از اصول مربوط به صلاحیت به نحو موسعی عدول کرده است (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۵۶/۳).

توسعه موارد نقض صلاحیت محلی و تخصیص فراوان این قاعده باعث می‌شود که عملاً قاعده اصلی، شامل صلاحیت محل وقوع جرم و توجیهات قوی در ورای آن سهولت جمع آوری ادله و حفظ آثار جرم، سهولت تعقیب متهم و شرکا و معاونان، سهولت حضور شهود و مطلعان و ... کنار گذاشته شود.

۲-۵- عدول از صلاحیت شخصی در نظام کیفری فرانسه

موارد نقض صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب، به گستردگی قانون آیین دادرسی کیفری ایران در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مشاهده نمی‌شود و برعکس مقنن فرانسوی به جای تمرکز بر سمت و جایگاه مرتکب به عنوان موارد نقض قاعده صلاحیت محلی، بیشتر بر نوع، شدت و پیچیدگی جرم ارتکابی تأکید دارد. با این حال مواردی استثنایی و محدود وجود دارد؛ برای مثال در قانون آیین دادرسی نیروهای مسلح فرانسه مواردی از عدول از صلاحیت محلی به اعتبار سمت مرتکب قابل مشاهده است. از این حیث، ماده ۳-۱۱۲ این قانون مقرر داشته است:

"برای رسیدگی به جرایم افسران سواره نظام (مارشال) و دریاسالار، افسران ژنرال یا هم درجه آنها و اعضای مرکز فرماندهی و کنترل ارتش، در زمان جنگ، یک دادگاه عالی نیروهای مسلح که مقر آن توسط آیین نامه تعیین می‌گردد، تشکیل می‌شود. این دادگاه می‌تواند در تمام نقاط سرزمین جمهوری فرانسه تشکیل شود. در شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، مقر این دادگاه می‌تواند بر اساس آیین نامه شورای وزرا، در محل دیگری تعیین گردد (تدین، ۱۳۹۴: ۳۴)."

۶- عدول از صلاحیت نسبی در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه

۱-۶- عدول از صلاحیت نسبی در نظام کیفری ایران

۱-۱-۶- صلاحیت دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری دو صلاحیت عام رسیدگی به تمام جرائم را داراست، مگر اینکه قانون رسیدگی به جرمی را در صلاحیت مرجع دیگری قرار داده باشد (ماده ۳۰۱ ق.آیین دادرسی کیفری). دادگاه با یک قاضی و در حوزه قضایی شهرستان تشکیل می‌گردد. (ماده ۲۹۰ ق.آیین دادرسی کیفری) در نقاتی که به دلیل کمی جمعیت، هنوز به شهرستان تبدیل نشده و از نظر تقسیمات کشوری، «بخش» محسوب می‌شوند، در صورت ضرورت به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود و به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌کند. (ماده ۲۹۹ ق.آیین دادرسی کیفری)

ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در حالی صلاحیت دادگاه کیفری یک را رسیدگی به جرایم تعزیری درجه ۴ و بالاتر اعلام کرده است که عمده جرایم درجه سه شامل بزه‌هایی می‌شود که در بسیاری موارد برای فعل مجرمانه واحد علاوه بر حبس، مجازات دیگری مانند جزای نقدی و غیر آن نیز پیش‌بینی شده است.

در مورد صلاحیت دادگاه کیفری یک، لازم است به دو نکته دیگر توجه شود. اول اینکه، چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ ق.آیین دادرسی کیفری در دادگاه کیفری یک مطرح گردد و دادگاه پس از رسیدگی و تحقیقات کافی و ختم دادرسی تشخیص دهد که عمل ارتكابی عنوان مجرمانه دیگری دارد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو است، دادگاه کیفری یک به این جرم رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید (تبصره ۲ ماده ۳۱۶ ق.آیین دادرسی کیفری). در این فرض، دلیل جواز رسیدگی دادگاه کیفری یک به جرمی که در صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار دارد، وجود صلاحیت ذاتی واحد میان آنهاست، اما عکس آن صادق نیست. یعنی اگر پرونده به اعتبار صلاحیت عام دادگاه کیفری در ابتدا به این دادگاه ارسال شده باشد، ولی دادگاه پس از رسیدگی متوجه شود که جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارد، چون جرائم داخل در صلاحیت کیفری یک باید با تشریفات خاص و با روش تعدد قضات رسیدگی گردد، دادگاه کیفری دو مجاز به ادامه رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود.

دوم اینکه، اگر شخصی متهم به ارتکاب دو جرم، یکی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دیگری در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان باشد، به تمام اتهامات او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود (تبصره ۱ ماده ۳۱۶ ق.آیین دادرسی کیفری).

۲-۱-۶- صلاحیت انحصاری دادگاه‌های مرکز استان یا پایتخت

در برخی موارد، یا به دلیل اهمیت جرم و لزوم رسیدگی دقیق تر در دادگاههای مرکز، و یا به دلیل سمت و موقعیت رسمی مرتکب که معمولا محل خدمت او در مرکز استان یا پایتخت قرار دارد، قانونگذار از اصل کلی صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم عدول نموده و رسیدگی به آن را منحصر در صلاحیت دادگاههای مرکز استان یا دادگاههای تهران قرار داده است. در این موارد، دادرسی صالح به انجام تحقیقات نیز، حسب مورد، دادرسی شهرستان مرکز استان یا دادرسی پایتخت است، زیرا مطابق ماده ۲۹ ق.آیین دادرسی کیفری: «انجام وظایف دادرسی در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند، مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید.»

مورد دیگر از موارد صلاحیت دادگاههای مرکز استان، که البته این بار همراه با تعیین صلاحیت ذاتی این دادگاه نیز هست، جرائم سیاسی و مطبوعاتی است، که نه در دادگاه محل ارتکاب جرم، بلکه در دادگاه کیفری یک مرکز استان رسیدگی می شود. در مورد جرائم مطبوعاتی، در تبصره ماده ۳۶ قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹ آمده است: «به جرائم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می شود.» اما، ق. آ. د. ک بعد از ماده فوق به تصویب رسیده و علاوه بر تعیین صلاحیت محلی (مرکز استان)، صلاحیت ذاتی دادگاه رسیدگی کننده به این جرائم و جرائم سیاسی را نیز مشخص نموده است (کیفری یک). ماده ۳۰۵ ق. آ. د. ک در این باره می گوید: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می شود.»

دقت در این نکته لازم است که ماده فوق به «دادگاههای کیفری» اشاره نموده و برای دیدن انواع دادگاههای کیفری، باید به ماده ۲۰۶ ق.آیین دادرسی کیفری توجه نمود. بنابر این، به جرائم اشخاص مذکور حسب مورد در دادگاههای کیفری یک یا دو یا نظامی یک یا دو یا انقلاب تهران رسیدگی می شود، نه لزوما در دادگاه کیفری یک. همچنین، استثناء قسمت اخیر ماده را قانونگذار برای موارد خاص، نظیر صلاحیت دادگاههای ویژه روحانیت پیش بینی نموده است که اصولا خارج از دادگاههای کیفری احصاء شده در ماده ۲۹۶ و تابع آیین نامه خاص هستند.

در مورد زمان دارا بودن سمتهای فوق، ماده ۳۰۹ می افزاید: «صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرائم اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمتهای مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند. بنابر این، برای صلاحیت استثنایی مقرر در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸، مرتکب باید یا در زمان ارتکاب جرم تصدی یکی از سمتهای یادشده را

داشته باشد یا در زمان رسیدگی به جرم. کافی بودن ارتکاب جرم قبل از تصدی این سمت‌ها برای احراز صلاحیت دادگاه تهران یا مرکز استان، به خوبی نشان می‌دهد که لازم نیست که جرم ارتكابی در ارتباط با انجام وظایف مرتکب باشد.

سرانجام، بر اساس ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس علائم تجاری که در تاریخ ۸۹/۸/۷ رسیده است و باید برای مدت پنج سال به طور آزمایشی اجراء شود: «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجراء این قانون و آیین نامه اجرایی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران می‌باشد...» هر چند که با توجه به واژه اختلافات»، که در زبان حقوقی ما ظهور در مسائل و دعاوی حقوقی دارد، مشکل بتوان به استناد این ماده رسیدگی به جرائم مندرج در این قانون را در صلاحیت انحصاری مراجع قضایی تهران دانست، اما در ماده ۱۷۹ آیین نامه اجرایی این قانون مصوب ۸۷/۱۱/۱ به صراحت پیش بینی شده است که: «با توجه به ماده ۵۹ قانون، رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و این آیین نامه در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که توسط رئیس قوه قضاییه تعیین و در صورت امکان در اداره کل مالکیت صنعتی مستقر می‌شوند. در مورد دعاوی کیفری، چنانچه جرم خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد، در این صورت تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به دادگاههای مذکور در فوق ارجاع می‌شود.»؟

در این خصوص به نمونه‌های دیگری نیز می‌توان اشاره نمود، از جمله: تبصره ۲ ماده ۴۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۳ مبنی بر رسیدگی به کلیه اتهامات رؤسا و اعضای شعب سازمان تعزیرات حکومتی که در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز مرتکب می‌شوند، در دادسراها و دادگاه‌های مرکز (یعنی پایتخت).

۳-۱-۶- صلاحیت دادگاه انقلاب در رسیدگی به جرایم مواد مخدر

بر اساس بند پ ماده ۳۰۳ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی برای رسیدگی به تمام جرائم مربوط به مواد مخدر، روانگردان و پیش سازهای آن و قاچاق اسلحه، مهمات و اقلام و مواد تحت کنترل است. در واقع اصل بر این است (مستفاد از ماده ۳۰۱) که دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمامی جرائم را دارد، مگر در مواردی که به طور صریح قانون صلاحیت را در امری خاص به دادگاه موضوع ماده ۲۹۴ اعطاء کرده باشد. پس

از جمع ماده‌ی ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری به این نتیجه میرسیم که صلاحیت دادگاه انقلاب استثنایی است؛ یعنی اصل بر عدم صلاحیت آن در امور کیفری است؛ مگر موارد مصرح توسط قانونگذار. همچنین ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در ۹ بند به اعمالی که علی‌الاصول تحت صلاحیت دادگاه انقلاب باید باشد اشاره کرده است؛ مواردی چون کشت خشخاش (به طور مطلق)، کشت شاهدانه (به منظور تولید مواد مخدر)؛ وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر؛ نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر؛ دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر؛ استعمال مواد مخدر به هر شکل و طریق به استثنای موارد قانونی؛ تولید، ساخت، خرید، فروش و نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر؛ فراری دادن یا پناه دادن متهمان و محکومان تحت تعقیب مواد مخدر یا دستگیر شده؛ امحا یا اخفای ادله جرم مجرمان مواد مخدر، و قرار دادن مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری، را در بر می‌گیرد.

اما یک مساله اختلافی که اینجا مطرح شده است، جرم مربوط به افترای عملی و لفظی است که به ترتیب در مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مبارزه با مواد مخدر ذکر شده است. مساله این است که آیا جرم افتراء لفظی و عملی نیز با توجه به ماهیتشان باید تحت صلاحیت دادگاه انقلاب باشد یا خیر؟

افتراء عملی ناظر به موردی است که فردی به منظور متهم کردن دیگری مواد مخدر یا روانگردان را در محلی قرار دهد. اما افتراء لفظی صرف اتهام‌تهدمتی است که به منظور تعقیب فرد در مراجع ذی صلاح زده می‌شود. در خصوص صلاحیت راجع به افتراء عملی به نظر می‌رسد که شکی نباشد که تحت صلاحیت دادگاه انقلاب باشد؛ زیرا قرار است مجرم را به حداکثر مجازات همان جرم محکوم کنند. اما در خصوص ماده‌ی ۲۷، که صرفاً ناظر به افتراء و تهمت است، آیا رسیدگی به این جرم هم تحت صلاحیت دادگاه انقلاب است؟ با توجه به نظرات مختلفی که از اداره حقوقی دادگستری در این زمینه صادر شده است به نظر می‌رسد که افتراء ارتباطی با مواد مخدر ندارد و در موارد شک نیز باید به اصل رجوع کنیم؛ یعنی ماده ۳۰۱ قانون جدید آیین دادرسی کیفری که اصل بر صلاحیت دادگاه کیفری دو است. در این زمینه استدلال این است که ماهیت جرم را صرفاً افتراء و تهمت تشکیل می‌دهد که توسط قانونگذار قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است، اگرچه موضوع تهمت یا افتراء مرتبط با مواد مخدر است.

از سوی دیگر می‌توان برهان دیگری ارائه نمود مبنی بر اینکه هرچند جرم عمومی است لکن از آنجایی که اثبات آن نیاز به احراز «خلاف واقع بودن ادعا» دارد هرچند این احراز به صرف عدم

ارائه دلیل از سوی مفتتری احراز می‌شود مع الوصف ممکن است متهم به افتراء دلایلی مبنی بر صحت ادعای خود ارائه دهد. بر این اساس افتراء لفظی تحت صلاحیت دادگاه انقلاب می‌باشد.

۲-۶- عدول از صلاحیت نسبی در نظام کیفری فرانسه

بر اساس ماده ۷۶-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، دادستان شهرستان، قاضی تحقیق و دادگاه‌های جنحه و جنایت که مطابق ماده ۷۵-۷۰۶ تشکیل شده اند، دارای صلاحیت هم ردیف دادرها و دادگاه‌هایی هستند که بر اساس قوانین عمومی صلاحیت محلی (مواد ۵۲، ۳۸۲، ۴۲۶ و ۴۲-۷۰۶)، صالح شناخته می‌شوند. علاوه بر این، اعمال تروریستی با وصف جنایی توسط یک دادگاه جنایی ویژه بدون وجود هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. این دادگاه متشکل از یک رئیس و شش مستشار از قضات حرفه ای است. این در حالی است که در وضعیت عادی، دادگاه جنایی متشکل از سه قاضی تخصصی است (یک رئیس و دو مستشار) و نه نفر اعضای هیئت منصفه را تشکیل می‌دهند (قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، ماده ۲۵-۷۰۶).

از ابتدای تشکیل دادگاه‌های ویژه تروریستی، انتقاداتی نسبت به آنها وجود داشته است. در واقع تشکیل این دادگاه‌ها بر این اساس است که مشخصه جرم تروریستی و فشارهایی که از ناحیه آن می‌تواند متوجه هیئت منصفه برآمده از مردم گردد، ضرورت یک دادرسی ویژه با قضات حرفه‌ای را توجیه می‌نماید. از سوی دیگر، برخی مخالف استثنایی تلقی نمودن این دادگاه‌ها هستند و در واقع فلسفه وضع آنها را مخالف قواعد عمومی ندانسته‌اند و از این نظر در جواب این سؤال که آیا می‌توان دادگاه‌های جنایی خاص با صلاحیت ویژه در حوزه تروریسم را یک دادرسی استثنایی شمرد جواب منفی داده‌اند (گزی، ۲۰۰۳: ۱۰۴). استدلال این بوده است که مقتن در قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ قصد ایجاد یک سیستم دادرسی استثنایی نداشته است (سپهری، ۱۳۸۵: ۱۰۰). بر این اساس اگر دادگاه جنایی بدون حضور هیئت منصفه را بر اساس ماهیت، وصف خاص بدانیم مناسب‌تر است. از این نظر، قانون‌گذار با ایجاد این دادگاه‌ها با صلاحیت هم عرض دادگاه‌های عمومی، در واقع قصد ایجاد مجدد دادگاه‌های استثنایی همچون دادگاه امنیت ملی را نداشته است و در واقع این دادگاه‌ها دارای یک صلاحیت نسبی نسبت به دادرسی جرایم با ماهیت جنایی که در زمان صلح اتفاق می‌افتند، هستند. از این منظر که آیا وجود این دادگاه‌های خاص مغایرتی با اصل تساوی افراد در برابر قانون در ماده ۷ اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ دارد یا خیر؟ شورای قانون اساسی، وجود این دادگاه‌ها را همسان و سازگار با دادگاه‌های جنایی و در راستای کمک به تضمین یک دادرسی منصفانه دانسته است.

۷- نتیجه‌گیری

قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان عصاره آرمان عدالت خواهی، قانون‌گرایی و نظم‌بخشی به جوامع و تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و تامین‌کننده امنیت اجتماعی در حوزه‌های مختلف است. یکی از مباحث کلیدی در قانون آیین دادرسی کیفری، تعیین صلاحیت مراجع قضایی می‌باشد. در واقع، پس از ارتکاب جرم می‌بایست از بین تمامی دادگاه‌های کیفری، تعیین گردد که کدام یک صلاحیت قضاوت رفتار مرتکب جرم را دارا می‌باشد. با توجه به نوع جرم، اهمیت بزه ارتكابی، محل وقوع جرم، موقعیت شغلی و اجتماعی بزه کار و همچنین با در نظر گرفتن سن و درجه نظامی (در مورد افراد نظامی) صلاحیت‌های مراجع قضایی به چهار قسم صلاحیت ذاتی، محلی، شخصی و نسبی تقسیم می‌گردد. اصل صلاحیت مراجع قضایی از اصل قانونی بودن دادگاه نشئت می‌گیرد و جزء قواعد آمره در دادرسی کیفری به شمار می‌آید به گونه‌ای که طرفین دعوی به هیچ وجه نمی‌توانند مغایر آنچه قانون برای یک دادگاه تعیین صلاحیت نموده توافق نمایند. با این وجود، در آیین دادرسی کیفری و در شرایط خاص، استثنائاتی برای عدول از صلاحیت‌های مذکور پیش‌بینی شده است که پژوهش حاضر به مقایسه این موارد در نظام‌های کیفری ایران و فرانسه مبادرت نموده است.

در خصوص صلاحیت ذاتی، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، مهمترین مبنا در تفکیک و تشخیص صلاحیت ذاتی دادگاه، نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات است. بر اساس اشتراکات نظام کیفری ایران و فرانسه، صلاحیت ذاتی با نظم عمومی گره خورده و قواعد آن از جمله قوانین آمره بوده و در اجرا تغییر ناپذیر است و تخلف از قواعد آن موجب بطلان مطلق هرگونه تصمیمی است که از آن حاصل می‌شود. با این وجود، در نظام کیفری ایران، عدول از صلاحیت ذاتی در مواردی همچون صدور رای تجمیعی و رعایت قواعد تعدد جرم مجاز است. نتیجه آن که چون درجه مجازات تعیین‌کننده صلاحیت دادگاه‌هاست و مجازات‌ها نیز بر اساس ضعف و شدت در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به درجات هشت‌گانه تقسیم شده‌اند و در حالت تعدد مجازات، کیفر حبس، مجازات اشد تلقی می‌شود بنابراین در صورت تعدد مجازات‌ها باید کیفر حبس را ملاک صلاحیت دادگاه‌ها دانست. علاوه بر این، زمانی که رای تعلیقی در شعبه ای صادر می‌شود و سپس پرونده در دادگاه دیگری مورد رسیدگی قرار می‌گردد، در این مورد نیز دادگاه صرف‌نظر از صلاحیت ذاتی خویش مجاز به لغو تعلیق و اجرای مجازات صادر شده از سوی شعبه مذکور و اظهار نظر در خصوص آن می‌باشد. در واقع دادگاهی که قرار تعلیق را

صادر نکرده است، آن را لغو می‌کند و حتی دستور اجرای حکم سابق را می‌دهد. عدول از صلاحیت ذاتی برای دادگاهی که اصولاً در جریان قرار تعلیق نبوده، قابل انتقاد است. زیرا اصولاً بهتر بود در تمام احوال دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اجرای مجازات مبادرت به لغو قرار کند، نه دادگاهی که در پرونده دیگری رأی قطعی صادر کرده است. در نظام کیفری فرانسه نیز عدول از صلاحیت ذاتی، در موارد محدود و تنها در چارچوب احاله امکانپذیر می‌باشد.

از سوی دیگر، یافته‌ها بیانگر آن است که در نظام کیفری ایران، عدول از صلاحیت شخصی در محدوده سمت و جایگاه مرتکب پیش بینی شده است. همچنین، بر خلاف نظام کیفری ایران، در نظام کیفری فرانسه، عدول از صلاحیت شخصی در مواردی که جرم ارتكابی اتباع فرانسه در خارج از قلمرو فرانسه از درجه جنایت یا جنحه نباشد و همچنین زمانی که جرم ارتكابی از نوع جنحه در کشور محل وقوع آن، جرم و قابل مجازات تلقی نشود، در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، در نظام کیفری فرانسه عدول از صلاحیت شخصی در مواردی همچون عدم شکایت شاکی و عدم صلاحیت دادسرا برای مناسب بودن تعقیب پیش بینی شده است.

همچنین، بر اساس یافته‌ها در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، صلاحیت نسبی بر اساس شایستگی هر یک از مراجع کیفری که دارای صلاحیت‌های ذاتی و محلی باشند، بر اساس اهمیت جرم و میزان مجازات آنها تعیین می‌گردد. با اینحال، عدول از صلاحیت دادگاه نسبی در نظام کیفری ایران، در چارچوب صلاحیت‌های دادگاه کیفری یک، دادگاه‌های مرکز استان یا پایتخت و انقلاب در خصوص جرایمی مانند دیات، قاچاق مواد مخدر و رسیدگی به جرایم مقامات پیش بینی شده است. از سوی دیگر، در نظام کیفری فرانسه بر خلاف ایران، عدول از صلاحیت نسبی در مواردی همچون سمت ارتكاب، شرایط عمومی و نوع جرم ارتكابی در چارچوب صلاحیت‌های دادگاه جنحه، اطفال و صلاحیت پلیس و دادگاه محلی پلیس پیش‌بینی شده است.

علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که در مورد قاعده عدول از صلاحیت محلی این موضوع که، قاعده مذکور بدون هر گونه استثنایی نمی‌تواند رسیدگی مطلوب قضایی به دعوی کیفری را به همراه داشته باشد، مورد اتفاق هر دو نظام کیفری است. در واقع ضرورت پیش بینی استثنائات و موارد نقض قاعده مذکور، جهت افزایش کارایی دستگاه قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است. لیکن باید این نکته را مدنظر قرار داد که تعیین و تأکید بر قواعد صلاحیت به عنوان قواعد آمره در فرایند دادرسی کیفری، از جمله قاعده صلاحیت محلی به هدف استقرار نظم قضایی و به ویژه حفظ حقوق متهم، امری مسلم و پذیرفته شده است. علاوه بر این، نگاهی به موارد نقض قاعده صلاحیت محلی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه مؤید این نکته است که

به رغم مقنن فرانسوی که در سال‌های اخیر تحولات وسیعی در این بحث داشته، مقنن ایرانی به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تغییراتی که موارد آن نیز محدود است و بتوان آن را منشأ تحول دانست، صورت نداده است. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مقنن ایرانی همان گونه که در تقسیم بندی موارد نقض صلاحیت محلی مشاهده شد، غیر از مورد نقض قاعده به اعتبار سمت مرتکب جرم، در موارد دیگر به شرایطی عمومی همچون حفظ نظم و امنیت عمومی بسنده کرده است. در مقابل، موارد متعددی از نقض قاعده به اعتبار نوع جرم ارتكابی در سیستم فرانسوی مشاهده می‌گردد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان دهنده آن است که در هر دو نظام کیفری ایران و فرانسه، مبنای تعیین صلاحیت شخصی، شخصیت مرتکب می‌باشد به گونه ای که آیین دادرسی کیفری رسیدگی به اتهامات افراد معینی را در صلاحیت مرجع خاصی قرار داده است که این صلاحیت صرفاً در تغییر صلاحیت محلی موثر است. با توجه به این نتایج، پیشنهاد می‌شود مقنن ایرانی همچون مقنن فرانسوی حق ابلاغ تصمیمات قضایی را برای احاله پرونده به طرفین دعوی و ارائه لایحه دفاعیه پیش بینی نماید. به تحولات بزهکاری در سال‌های اخیر و به ویژه توسعه کمی و کیفی جرایم بانندی و سازمان یافته و جرایم تروریستی توجه ویژه نموده و راهکارهای سنتی برای رسیدگی به همه انواع جرایم را با تحولات امروزی بزهکاری منطبق نماید. از سوی دیگر، آنچه اساساً می‌تواند نقض قاعده صلاحیت محلی را توجیه کند، رسیدگی بهتر به پرونده و افزایش کارایی دستگاه قضایی است و آنچه این افزایش کارایی را بهتر تضمین می‌کند، پیش بینی دادسراها و دادگاه‌های تخصصی هم ردیف دادسراها و دادگاه‌هایی است که مطابق قاعده عمومی صلاحیت محلی صالح هستند. در واقع آنچه در نظام حقوقی فرانسه شاهد بودیم شامل هیئت‌های تحقیقاتی با نهادهای تخصصی قضایی، به شرط اینکه تبدیل به دادگاه‌های اختصاصی متناقض با قاعده صلاحیت ذاتی نشوند و حقوقی کمتر از آنچه در سیستم قضایی عام برای طرفین دعوی به ویژه متهم پیش بینی شده است، تعیین نگردد، می‌تواند باعث افزایش کارایی دستگاه قضایی و مبارزه مؤثرتر و بهتر به خصوص با اشکال نوین بزهکاری گردند.

منابع

- ۱- احمدی گلین، سید حسین. (۱۳۹۶). مصادیق جرائم مشمول صلاحیت واقعی در حقوق تطبیقی ایران، فرانسه و انگلستان، فصلنامه وکیل مدافع، شماره ۱۶، ۱۰۰-۸۵.

- ۲- آخوندی، محمود. (۱۳۸۶). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۳- تدین، عباس، (۱۳۹۴)، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۴- خالقی، علی. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
- ۵- خانعلی پور و اجارگاه، سکینه. (۱۳۹۶)، بازاندیشی معیارهای صلاحیت کیفری سایبری، همایش بین‌المللی جنبه‌های حقوقی فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، دانشگاه علم و فرهنگ.
- ۶- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۱). فرهنگ دهخدا، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کل کشور.
- ۷- رحمدل، منصور. (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر دادگستر.
- ۸- رضوانی، سودابه و دریانورد، سیده وحیده. (۱۳۹۱). لزوم اتخاذ سیاست جنایی افتراقی در مقابله با قاچاق سازمان یافته کالا و ارز، دو فصلنامه بررسی‌های حقوقی، سال دوم، شماره ۳.
- ۹- سپهری، روح‌الله. (۱۳۸۵). جرم‌انگاری تروریسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۰- صدر زاده افشار، سید محسن. (۱۳۹۵). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی (دادگاه‌های عمومی و انقلاب)، تهران: نشر موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، جلد اول.
- ۱۱- کریمی، عباس. (۱۳۹۷). آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات بهمن.
- ۱۲- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۱۳- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۱). تروریسم رسانه‌ای، تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش دی ماه ۱۳۸۰، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- 1- CÉRÉ, J. P. (2011). Procédures pénales d'exception et Droits de l'homme: Éditions L'Harmattan.
- 2- Gozzi, Marie-Hélène. (2003). Le terrorisme: essai d'une étude juridique, Édition, Ellipses.
- 3- Guinchard, Serge et Jacques Buisson, (2008). Procédure pénale, 4ème édition, Paris, Lexis Nexis Litex.